پیام ۱۳ آبان و جایگاه روز ملی مبارزه با استکبار جهانی

محمدحسین زارع، پژوهشگر حوزه انقلاب اسلامی

نام‌گذاری ۱۳ آبان به‌عنوان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی را نمی‌توان صرفاً اقدامی برای بزرگداشت چند رویداد تاریخی یا یادآوری تقابل جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا دانست. این نام‌گذاری، واجد معنایی فراتر از یک مناسبت تقویمی است و بر استمرار یک مطالبه تاریخی و سیاسی که دفاع از استقلال، کرامت انسانی، حق تعیین سرنوشت ملت‌ها و مقابله با هرگونه سلطه‌جویی و مداخله قدرت‌های خارجی در امور داخلی کشورهاست، تأکید دارد.

بر این اساس، مهم‌ترین پیام ۱۳ آبان آن است که استقلال و اختیار ملت‌ها در تعیین سرنوشت و آینده خویش، نباید تحت تأثیر زورگویی، تهدید نظامی، فشار اقتصادی، مداخله سیاسی یا تحمیل اراده قدرت‌های برتر قرار گیرد. در این برداشت، استکبارستیزی صرفاً واکنشی به یک کشور یا واقعه تاریخی خاص نیست، بلکه مخالفت با یک منطق و ساختار سلطه است که برتری قدرت را به حق مداخله و تحمیل اراده بر دیگران تبدیل می‌کند. ازاین‌رو، ۱۳ آبان را می‌توان فرصتی برای بازخوانی نسبت میان استقلال ملی، عدالت بین‌المللی، قدرت سیاسی و مسئولیت ملت‌ها در دفاع از حق تعیین سرنوشت دانست؛ مناسبتی که پیام آن، هم به گذشته تاریخی ایران مربوط است و هم به مسائل و چالش‌های امروز نظام بین‌الملل.

سه رویداد تاریخی و شکل‌گیری پیام مشترک ۱۳ آبان

۱۳ آبان در حافظه تاریخی و سیاسی ملت ایران با سه رویداد مهم پیوند خورده است که هر یک در بستر تاریخی و سیاسی متفاوتی رخ داده‌اند، اما هرسه در چارچوب مفاهیمی همچون استقلال‌خواهی، مقابله با مداخله خارجی و اعتراض به استبداد و سلطه قرار گرفته‌اند.

نخست، در ۱۳ آبان ۱۳۴۳، امام خمینی رضوان‌الله تعالی‌علیه پس از اعتراض به قانون مصونیت قضایی مستشاران نظامی آمریکا که در ادبیات سیاسی آن دوره به

کاپیتولاسیون شناخته می‌شد دستگیر و به ترکیه تبعید شد. این رویداد در حافظه سیاسی انقلاب اسلامی به نمادی از اعتراض به خدشه‌دار شدن حاکمیت ملی و قضایی ایران و مخالفت با امتیازهای تحمیلی به قدرت خارجی تبدیل شده است.

دوم، در ۱۳ آبان ۱۳۵۷، شماری از دانش‌آموزان و دانشجویان در جریان اعتراضات و در محوطه دانشگاه تهران به دست نیروهای حکومتی به شهادت رسیدند. این حادثه در پیوند با مبارزات انقلابی مردم علیه حکومت پهلوی، نمادی از مقابله با استبداد داخلی و مطالبه آزادی و مشارکت سیاسی مردم به شمار می‌رود.

سوم، در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، گروهی از دانشجویان پیرو خط امام سفارت آمریکا در تهران را که به لانه جاسوسی و توطئه علیه انقلاب اسلامی تبدیل شده بود اشغال کردند. این واقعه به نمادی از مقابله با نفوذ و مداخله آمریکا در امور داخلی ایران تبدیل شد.

اگرچه این سه رویداد از نظر زمینه، ماهیت و پیامدهای سیاسی یکسان نیستند، اما در نام‌گذاری رسمی ۱۳ آبان، در ذیل یک پیام مشترک قرار گرفته‌اند: مقابله با استبداد، اعتراض به مداخله خارجی و تأکید بر استقلال و حق تعیین سرنوشت ملت ایران. بنابراین، اهمیت این مناسبت در آن است که میان تجربه‌های تاریخی متفاوت، نوعی پیوستگی معنایی برقرار می‌کند و آنها را در قالب یک حافظه سیاسی و هویتی بازنمایی می‌سازد.

مبانی فکری و دینی استکبارستیزی

مفهوم استکبار در اندیشه اسلامی، ریشه‌ای قرآنی دارد و به معنای خودبزرگ‌بینی، برتری‌جویی ناحق و سرپیچی از حق است. در منطق قرآن کریم، مستکبران در برابر مستضعفان قرار می‌گیرند و استکبار صرفاً یک خصلت فردی نیست، بلکه می‌تواند در قالب مناسبات و ساختارهای اجتماعی و سیاسیِ مبتنی بر ظلم، تحقیر و سلطه نیز ظهور پیدا کند. در این چارچوب، استکبارستیزی در اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی، به‌ویژه در منظومه فکری امام خمینی رضوان‌الله تعالی‌علیه، صرفاً واکنشی سیاسی به سیاست‌های یک دولت خارجی نیست؛ بلکه از جهان‌بینی توحیدی و اعتقاد به کرامت انسان و نفی

سلطه انسان بر انسان سرچشمه می‌گیرد. بر این مبنا، هیچ قدرتی حق ندارد خود را برتر از دیگران بداند و به اتکای توان نظامی، اقتصادی یا سیاسی، اراده و اختیار ملت‌ها را نادیده بگیرد. از این منظر، موضوع اصلی استکبارستیزی، مخالفت با سیاست‌ها و ساختارهای سلطه‌گرانه است، نه نفی ملت‌ها، فرهنگ‌ها یا جوامع دیگر. بر همین اساس، استقلال و کرامت ملی در این منظومه فکری، اموری مقطعی و صرفاً تاکتیکی نیستند، بلکه ارزش‌هایی بنیادین به شمار می‌روند که نباید با تغییر دولت‌ها، شرایط سیاسی یا ملاحظات کوتاه‌مدت مورد معامله قرار گیرند.

استکبار در جهان معاصر؛ تحول ابزارهای سلطه و ضرورت بازتعریف مقاومت

یکی از نکات مهم در بازخوانی پیام ۱۳ آبان، توجه به تحول ابزارها و شیوه‌های اعمال قدرت در جهان معاصر است. سلطه‌جویی در گذشته بیشتر با اشغال نظامی، استعمار مستقیم، حضور نیروهای خارجی، تصرف سرزمین‌ها و کنترل آشکار منابع و مسیرهای تجاری شناخته می‌شد؛ اما در شرایط کنونی، ابزارهای اعمال فشار پیچیده‌تر و متنوع‌تر شده‌اند. تحریم‌های اقتصادی و مالی، محدودیت دسترسی به نظام بانکی بین‌المللی، فشارهای دیپلماتیک، محدودسازی انتقال فناوری، عملیات رسانه‌ای و روانی، جنگ نرم و شناختی و تلاش برای تأثیرگذاری بر محاسبات و تصمیم‌گیری نخبگان، از جمله ابزارهایی هستند که می‌توانند دامنه انتخاب‌های سیاسی و اقتصادی کشورها را محدود کنند. در چنین شرایطی، استکبارستیزی صرفاً به معنای مقابله نظامی یا اعلام مخالفت سیاسی نیست؛ بلکه به معنای جلوگیری از تبدیل برتری اقتصادی، فناوری، رسانه‌ای و نظامی به حق تحمیل اراده بر دیگران است. به بیان دیگر، مسئله اصلی آن است که قدرت یک کشور یا مجموعه‌ای از کشورها، به ابزاری برای سلب اختیار دیگر ملت‌ها تبدیل نشود. بر این اساس، مقاومت در جهان معاصر باید علاوه بر ابعاد سیاسی و امنیتی، در حوزه‌های اقتصادی، علمی، فناوری، فرهنگی و رسانه‌ای نیز معنا پیدا کند. کشوری که از نظر اقتصادی وابسته، از نظر علمی متکی به دیگران و از نظر رسانه‌ای و فرهنگی آسیب‌پذیر باشد، حتی در صورت برخورداری از استقلال رسمی و سیاسی،

ممکن است در عمل با محدودیت جدی در تصمیم‌گیری مستقل مواجه شود. بنابراین، یکی از پیام‌های مهم ۱۳ آبان آن است که مقاومت پایدار، بدون برخورداری از ظرفیت‌های درونی و کاهش آسیب‌پذیری‌های ملی امکان‌پذیر نیست.

پیام ۱۳ آبان در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی

پیام داخلی: در سطح داخلی، ۱۳ آبان فرصتی برای بازخوانی تجربه تاریخی ملت ایران در مواجهه با استبداد و مداخله خارجی و تقویت خودآگاهی تاریخی و هویت استقلال‌خواهانه جامعه است. تجربه‌هایی همچون مداخلات خارجی در دوره معاصر، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و مناقشات و اختلافات ایران با قدرت‌های غربی، در شکل‌گیری بخشی از حافظه سیاسی جامعه ایران و نگرش انتقادی آن به سیاست خارجی برخی دولت‌های غربی نقش داشته‌اند. از این منظر، استکبارستیزی زمانی از یک شعار سیاسی فراتر می‌رود که به برنامه‌ای عملی برای تقویت قدرت ملی تبدیل شود .این امر مستلزم توجه هم‌زمان به چند حوزه اساسی است:

نخست، استقلال علمی و فناوری از طریق تقویت دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، نظام آموزش و پژوهش و توانایی تولید دانش و فناوری‌های مورد نیاز کشور؛ دوم، استقلال اقتصادی از طریق توسعه تولید رقابت‌پذیر، افزایش بهره‌وری، تنوع‌بخشی به روابط تجاری، کاهش وابستگی‌های آسیب‌زا و تقویت ظرفیت‌های داخلی؛ سوم، استقلال سیاسی از طریق حفظ اختیار تصمیم‌گیری ملی، افزایش قدرت چانه‌زنی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای خارجی؛ و چهارم، استقلال فرهنگی و هویتی از طریق تقویت سرمایه فرهنگی، حفظ هویت ایرانی ـ اسلامی و افزایش توان جامعه برای مواجهه آگاهانه و نقادانه با جریان‌های فرهنگی و رسانه‌ای. در کنار این مؤلفه‌ها، انسجام و وحدت ملی نیز جایگاهی محوری دارد. اختلافات داخلی، شکاف‌های اجتماعی و تضعیف اعتماد عمومی می‌توانند ظرفیت مقاومت و قدرت چانه‌زنی کشور را کاهش دهند. ازاین‌رو، حفظ وحدت ملی، تقویت سرمایه اجتماعی، اعتماد متقابل مردم و مسئولان، از الزامات پایداری استقلال ملی است.

پیام منطقه‌ای: در سطح منطقه‌ای، پیام ۱۳ آبان بر ضرورت تأمین امنیت از طریق اتکا به ظرفیت‌های درونی کشورها و پرهیز از وابستگی یک‌جانبه به قدرت‌های فرامنطقه‌ای تأکید دارد. بر اساس این دیدگاه، امنیت پایدار منطقه را نمی‌توان صرفاً از طریق حضور نیروهای خارجی، ترتیبات امنیتی تحمیلی یا توافق‌هایی که بدون مشارکت واقعی کشورهای منطقه شکل گرفته‌اند، تضمین کرد. تجربه منازعات و مداخلات خارجی در غرب آسیا، ضرورت بازنگری در الگوهای امنیتی منطقه را برجسته ساخته است. در این چارچوب، تقویت توان دفاعی و بازدارندگی بومی، همکاری‌های امنیتی میان کشورهای منطقه، احترام به حاکمیت ملی و جلوگیری از تبدیل سرزمین کشورها به عرصه رقابت و مداخله قدرت‌های خارجی، از الزامات ایجاد ثبات پایدار محسوب می‌شوند. بااین‌حال، امنیت منطقه‌ای صرفاً با افزایش توان نظامی تحقق نمی‌یابد. اعتمادسازی، گفت‌وگو، احترام به منافع متقابل، کاهش تنش‌ها و ایجاد سازوکارهای همکاری منطقه‌ای نیز ضرورت دارند .بنابراین، بازدارندگی دفاعی و دیپلماسی را نباید الزاماً دو مسیر متضاد تلقی کرد؛ بلکه برخورداری از قدرت دفاعی و ظرفیت‌های بومی می‌تواند پشتوانه‌ای برای دیپلماسی مؤثر و جلوگیری از حضور بیگانگان در منطقه باشد. در این میان، وحدت و همبستگی جهان اسلام نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. اختلافات سیاسی، مذهبی و قومی میان کشورهای اسلامی، در صورت تبدیل شدن به منازعات پایدار، می‌تواند زمینه مداخله قدرت‌های خارجی و تضعیف توان جمعی این کشورها را فراهم کند. از این منظر، مقاومت در برابر سلطه‌جویی قدرت های مستکبر زمانی اثربخش‌تر خواهد بود که به همکاری و همگرایی میان ملت‌ها و دولت‌های منطقه تبدیل شود و از پراکندگی و رقابت‌های فرساینده و امید داشتن به تامین امنیت با اتکا به قدرت‌های بیرونی فاصله بگیرد. چون استقلال و امنیت واقعی، امری دادنی از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیست، بلکه ساختنی توسط ملت‌هاست. ۱۳ آبان بازخوانیِ دائمِ این اصل است که تعامل با جهان باید از موضع اقتدار، موازنه و حفظ اختیار تصمیم‌گیری ملی صورت گیرد، نه از موقعیت انفعال و پذیرش سلطه.

پیام بین‌المللی: در سطح بین‌المللی، پیام ۱۳ آبان را می‌توان در چارچوب نقد یک‌جانبه‌گرایی و مطالبه اصلاح مناسبات نابرابر قدرت در نظام جهانی تبیین کرد. این پیام بر آن است که هیچ قدرتی نباید صرفاً به دلیل برخورداری از توان اقتصادی، نظامی یا فناوری، خود را مجاز به تعیین سرنوشت دیگر کشورها یا تفسیر یک‌جانبه قواعد و حقوق بین‌الملل بداند. یکی از محورهای این نقد، مسئله استانداردهای دوگانه در عرصه بین‌المللی است؛ یعنی وضعیتی که در آن، اصولی مانند حقوق بشر، دموکراسی، صلح و امنیت بین‌المللی ممکن است در موارد مختلف و متناسب با منافع قدرت‌های مسلط، به‌صورت متفاوت و گزینشی مورد استناد قرار گیرند. از این منظر، ۱۳ آبان می‌تواند نمادی از مطالبه رعایت حقوق برابر کشورها، احترام به حاکمیت ملی، منع مداخله در امور داخلی دیگران و پایبندی به قواعد مشترک بین‌المللی باشد.

گرچه، تحولات ساختار قدرت جهانی و ظهور قدرت‌ها و ترتیبات جدید بین‌المللی، زمینه‌هایی را برای بحث درباره امکان شکل‌گیری موازنه‌های جدید و کاهش تمرکز قدرت در ساختارهای سنتی نظام بین‌الملل فراهم کرده‌اند. بااین‌حال، شکل‌گیری نظم عادلانه جهانی صرفاً با تغییر قدرت‌های مسلط تحقق نمی‌یابد؛ بلکه مستلزم احترام واقعی به حقوق ملت‌ها، قواعد مشترک و مشارکت برابر کشورها در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی است. بنابراین، پیام بین‌المللی ۱۳ آبان را می‌توان در دفاع از جهانی چندجانبه‌ت، عادلانه و مبتنی بر احترام متقابل و نفی تحمیل اراده قدرت‌های بزرگ خلاصه کرد.

نسبت مقاومت و دیپلماسی؛ تعامل با جهان از موضع استقلال و اقتدار

یکی از نکات مهم در تبیین پیام ۱۳ آبان، روشن کردن نسبت میان مقاومت و دیپلماسی است. مقاومت و تعامل بین‌المللی الزاماً دو رویکرد متضاد نیستند. مقاومت می‌تواند از استقلال و حقوق ملی در برابر فشار و تحمیل دفاع کند و دیپلماسی نیز می‌تواند ابزار پیگیری همین اهداف از طریق مذاکره، تفاهم و توافق باشد. مسئله اساسی، نه اصل تعامل با جهان، بلکه کیفیت و شرایط آن است. تعامل زمانی می‌تواند در خدمت منافع ملی قرار گیرد که بر پایه احترام متقابل، حفظ حاکمیت، حقوق و منافع ملی ملت‌ها، رعایت تعهدات انجام

شـود. در مقابـل، تعامـل از موضـع ضـعف، وابسـتگی یـا پـذیرش تحمیـل اراده طـرف مقابـل، بـه محدود شدن استقلال و افرایش سلطه و تضییع حقوق ملت ها می‌انجامد.

در ایـن چـارچوب، برخـورداری از قـدرت ملـی، ظرفیت‌هـای اقتصـادی و فنـاوری، وحـدت و انسجام ملـی و پشـتوانه اجتمـاعی، می‌توانـد موقعیـت کشـور را در مـذاکرات بین‌المللـی تقویـت کنـد. در عـین حـال، دیپلماسـی مـؤثر نیـز می‌توانـد از تحمیـل اراده و هزینـه جلـوگیری کنـد، زمینـه کـاهش فشـارهای خـارجی را فـراهم سـازد و امکـان اسـتفاده از ظرفیت‌هـای همکـاری بین‌المللـی را افـزایش دهـد. ازایـن‌رو، پیـام ۱۳ آبـان بـرای سیاسـت خـارجی آن اسـت کـه تعامـل بـا جهـان بایـد از موضـع اسـتقلال، اقتـدار و حفـظ منـافع ملـی صـورت گیـرد؛ نـه از موضع انفعـال و پـذیرش سـلطه. ایـن رویکـرد، مسـتلزم تشـخیص دقیـق فرصـت‌ها و تهدیـدها و ارزیابی واقع‌بینانه منافع و هزینه‌های هر نوع مذاکره یا رابطه با قدرت های خارجی است.

وحدت ملی و همبستگی ؛ شرط اساسی پایداری مقاومت

یکی از محورهـای اساسـی پیـام ۱۳ آبـان، ضـرورت حفـظ وحـدت و همبسـتگی در برابـر تهدیـدات و فشـارهای خـارجی اسـت. قـدرت‌های سـلطه‌گر در شـرایطی می‌تواننـد بـر اراده کشـورها اثـر بگذارنـد کـه جامعـه هـدف بـا اختلافـات داخلـی، بی‌اعتمـادی، شـکاف‌های اجتمـاعی و تعارض‌هـای سیاسـی فرسـاینده مواجـه باشـد. ازایـن‌رو، وحـدت ملـی را بایـد یکـی از مهم‌تـرین مؤلفـه‌های قدرت و امنیت کشـور دانسـت. ایـن وحـدت بـه معنـای نادیـده گـرفتن تفاوت‌هـای فکـری، سیاسـی و اجتماعی نیسـت؛ بلکـه بـه معنـای توافـق بـر اصـول اساسـی و منـافع ملـی اسـت کـه حفـظ آنهـا بـرای همـه گروه‌هـای جامعـه اهمیـت دارد؛ اصـولی همچـون اسـتقلال کشـور، تمامیـت ارضـی، امنیت ملی، کرامت و ارزش ها و هویت اسلامی و ایرانی ملت ایران.

در سـطح جهـان اسـلام نیـز همبسـتگی میـان ملت‌هـا و کشـورهای اسـلامی می‌توانـد از تبـدیل اختلافات بـه ابـزار مداخلـه خـارجی جلـوگیری کنـد. بنـابراین، وحـدت ملـی و همبسـتگی اسـلامی، نـه فقـط پیام‌هـایی اخلاقـی و اعتقـادی، بلکـه مؤلفـه‌هایی راهبـردی بـرای افـزایش قـدرت جمعـی، تقویت امنیت و حفظ استقلال در شرایط رقابت‌های بین‌المللی به شمار می‌روند.

کارکرد اجتماعی و هویتی ۱۳ آبان

۱۳ آبان علاوه بر کارکرد سیاسی و تاریخی، از منظر جامعه‌شناختی نیز اهمیت دارد. مناسبت‌های ملی و انقلابی می‌توانند در حفظ حافظه جمعی، بازتولید هویت سیاسی و انتقال تجربه‌های تاریخی از نسلی به نسل دیگر نقش ایفا کنند. این روز با یادآوری رویدادهای مهم تاریخ معاصر، به جامعه امکان می‌دهد تجربه‌های گذشته را در پرتو مسائل امروز بازخوانی کند و درباره نسبت استقلال، آزادی، عدالت و مناسبات قدرت در جهان به تأمل بپردازد. بااین‌حال، انتقال مؤثر این حافظه تاریخی به نسل‌های جدید، نیازمند فراهم کردن زمینه شناخت تاریخی است تا بتواند ضمن آشنایی با زمینه‌ها و پیامدهای رویدادهای تاریخی، نسبت آنها را با مسائل امروز، از جمله تحریم‌ها، جنگ شناختی، وابستگی فناوری، تحولات رسانه‌ای و رقابت‌های بین‌المللی، درک کند. در این معنا، اهمیت ۱۳ آبان در آن است که حافظه تاریخی را به خودآگاهی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری ملی پیوند دهد و مفهوم استقلال را از یک شعار سیاسی به مطالبه‌ای عمومی و قابل ارزیابی در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی تبدیل کند.

در مجموع، با توجه به ابعاد تاریخی، دینی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و اجتماعی یادشده، می‌توان گفت مهم‌ترین پیام روز ملی مبارزه با استکبار جهانی آن است که هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال، امنیت و آینده خود را به اراده قدرت‌های خارجی واگذار کند؛ بلکه این ارزش‌ها باید با اتکا به ظرفیت‌های داخلی، انسجام ملی، توان علمی و اقتصادی، قدرت دفاعی و دیپلماسی هوشمندانه تأمین و حفظ شوند. از این منظر، پیام ۱۳ آبان، استکبارستیزی، نفی سلطه بر اراده و سرنوشت ملت‌ها و دفاع از کرامت، استقلال و حق انتخاب آزادانه آنان است؛ پیامی که تحقق آن، مستلزم برخورداری از قدرت ملی، وحدت اجتماعی، خودباوری علمی و اقتصادی و بازاندیشی در چگونگی تبدیل استقلال به واقعیتی پایدار در زندگی سیاسی، اقتصادی، علمی و اجتماعی کشور است.